

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۷

یوحنا ۱۵:۱-۱۶:۱۵

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر و آموزه‌های او در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۷، سخنرانی خداحافظی، ماندن در مسیح و شهادت به جهان است. یوحنا ۱۵:۱-۱۶:۱۵

سلام، ما در حال مطالعه‌ی سخنرانی خداحافظی عیسی مسیح بوده‌ایم و تاکنون به فصل‌های ۱۳ و ۱۴ آن پرداخته‌ایم و سعی کرده‌ایم به جریان اندیشه‌ی عیسی در اینجا بپردازیم. او پس از شستن پاهای شاگردان شروع به تعلیم دادن به آنها در مورد حضور مداوم خود در کنارشان می‌کند، که با وجود این واقعیت که از نظر معنوی از آنها غایب است، همچنان صادق خواهد بود. بنابراین، پس از اینکه در فصل ۱۳ با مثال به آنها آموخت که خادمان فروتن یکدیگر باشند، در فصل ۱۴ به آنها در مورد روح آینده‌ای که حضور او را با آنها دگرگون خواهد کرد، می‌آموزد.

بنابراین، او کاملاً روشن می‌کند که آنها را تنها نمی‌گذارد، بلکه آنها را با روحی که آنها را قادر می‌سازد تا به مشارکت با او و با پدر ادامه دهند و به دانستن تعالیم او ادامه دهند، رها می‌کند. به خاطر داشته باشید که این قبل از آن بود که کتب مقدس رسمی، حتی باید بگویم عهد جدید رسمی، شروع به تولید کرده باشند. بنابراین، آنها نمی‌توانستند در این مرحله به کتاب مقدس مراجعه کنند تا بفهمند عیسی چه گفته است.

آنها کاملاً به روح القدس وابسته بودند تا آنچه عیسی گفته بود را به آنها یادآوری کند. بنابراین، من اینطور برداشت می‌کنم که آن دسته از ما که بخش زیادی از زندگی خود را در کتاب مقدس می‌گذرانیم، برخی از ما به عنوان بخشی از رسالتی که از خدا دریافت می‌کنیم، باید به خودمان یادآوری کنیم که وقتی به کلمات کتاب مقدس نگاه می‌کنیم، باید به روح خدا وابسته باشیم که در واقع در دادن آن کتاب مقدس به ما نقش داشته است، و این از طریق روشی که او با گروه رسولان که کتاب مقدس را به ما دادند، حرکت کرد، آغاز می‌شود. بنابراین، پس از بررسی فصل ۱۴ دفعه قبل، اکنون به فصل ۱۵ می‌رویم و ارائه یک طرح کلی دقیق، به اصطلاح، از سخنرانی وداع دشوار است.

ما به نوعی جریان فکری را دنبال می‌کنیم. فصل ۱۴ بیشتر حالت گفتگو داشت و عیسی به سوالات پاسخ می‌داد و بر اساس آن سوالات به موضوعات فرعی می‌پرداخت. فصل ۱۵ کمی بیشتر به آموزه‌های مستقیم عیسی می‌پردازد، بدون اینکه شاگردان حرفش را قطع کنند یا حرفش را قطع کنند.

و به نظر من جالب است که آن را به عنوان متنی در نظر بگیریم که بر مسئولیت آنها تأکید می‌کند. او با آنها در مورد نحوه دریافت روح صحبت کرده است، و روح معلم آنها خواهد بود و حضور خود را با آنها حفظ خواهد کرد. اما آنها نباید همه اینها را بهانه‌ای برای نشستن و منتظر ماندن برای وقوع این اتفاق بدانند.

آنها نیز وظیفه‌ای برای انجام دادن دارند، و وظیفه آنها ماندن یا ماندن نامیده می‌شود. و البته، ما این تشبیه زیبا را در اینجا در فصل ۱۵ داریم، مانند تشبیه‌ی که در فصل ۱۰ از عیسی، شبان نیکو، داشتیم. در اینجا ما در فصل ۱۵، عیسی را به عنوان تاک حقیقی داریم.

بنابراین، بیایید ابتدا به جریان روایی متن نگاهی بیندازیم، و سپس همانطور که قبلاً انجام داده‌ایم، سعی خواهیم کرد به برخی از نکات مهم در این فصل نگاهی بیندازیم و آنها را بهتر درک کنیم. ابتدا، جریان روایی که داریم، یعنی این گفتمان مجازی را بررسی می‌کنیم. من آن را در اینجا تمثیل می‌نامم.

من تمایز فنی بین آنچه که ما ممکن است مثل یا تمثیل بنامیم قائل نمی‌شوم. هر دوی اینها صرف نظر از اصطلاحاتی که استفاده می‌کنیم، می‌توانند باشند. اینها قیاس‌های گسترده، تشبیهات گسترده و استعاره‌های گسترده هستند که فراتر از یک جمله ساده، به بسط تصویرسازی به جزئیات می‌پردازند.

بنابراین، ما عیسی را داریم که از تاک و شاخه‌ها صحبت می‌کند، و اینکه چگونه پدر کشاورز است، عیسی تاک است، و شاگردان شاخه‌ها هستند. انتظار می‌رود شاخه‌ها میوه بدهند. کشاورز شاخه‌ها را هرس می‌کند تا میوه بیشتری بدهند.

شاخه‌هایی که به راهنمایی کشاورز برای میوه دادن پاسخ نمی‌دهند، بریده و سوزانده می‌شوند، و آن‌هایی که میوه می‌دهند، امیدوارانه به این کار ادامه می‌دهند و میوه بیشتری می‌دهند. بنابراین، عیسی این قیاس را بین خود و شاگردانش مطرح می‌کند. به نظر می‌رسد که در آیات ۱۵:۹-۱۷، که به نوعی تمثیل تاک و شاخه‌ها را پشت سر می‌گذارد، باید به عقب برگشت و آموزه‌های جدید فرمان را برداشت.

بنابراین، در آیات ۱۵:۹-۱۷ مطالب زیادی وجود دارد که به نوعی فرمان عشق را تکرار و در متن قرار می‌دهد، اما این کار را با استفاده از تصویرسازی از تاک و تمثیل شاخه‌ها که به تازگی ارائه شده است، انجام می‌دهد. بنابراین، در آیات ۱۵:۹-۱۷ تأکید بر ماندن در عشق و میوه آوردن با عشق ورزیدن است، و عشق ورزیدن و اطاعت کردن با هم راه‌هایی هستند که ما برای خدا میوه می‌آوریم. بنابراین، یکی از سؤالات اصلی که فکر می‌کنم هنگام خواندن این تمثیل در مورد تاک بودن، باید بگویم شاخه بودن، عیسی تاک است، این است که ما تعجب می‌کنیم که چگونه ما پایدار می‌مانیم، و فکر می‌کنم آیات ۹-۱۷ اساساً این را به ما می‌گویند و توضیح می‌دهند که ماندن به این معنا به چه معناست.

بنابراین، در غیاب عیسی، او روح را برای حفظ حضورش با شاگردان می‌فرستد و از آنها می‌خواهد که در کنار او بمانند، و دلیل اهمیت این امر این است که مخالفت‌هایی وجود خواهد داشت. بنابراین، پس از بحث در مورد لزوم ماندن در تاک، عیسی در آیات ۱۸-۲۵ بسیار واقع‌بینانه در مورد نفرت دنیا صحبت می‌کند. او می‌گوید، اگر دنیا از شما متنفر است تعجب نکنید، زیرا از من نیز متنفر است، و این به این معنی نیست که آنها شخصاً با شما مشکلی دارند، آنها پیام من را دوست ندارند، و اگر شما از من حمایت کنید، همان رفتاری را که با من شد، با شما نیز خواهد شد.

بنابراین، با توجه به این منفی‌گرایی و وزش باد در جهت مخالف، شما باید بیشتر در من بمانید. شما با کمی اصطکاک و مخالفت در جهان مواجه خواهید شد، و عیسی در بخش پایانی فصل ۱۵ بسیار واقع‌بینانه و رک و پوست‌کنده در مورد این موضوع صحبت می‌کند. در انتهای فصل ۱۵، او در مورد نحوه‌ای که روح‌القدس به سمت شاگردان می‌آید تا در این دوران مخالفت به آنها کمک کند و آنها را قادر سازد تا شهادت مؤثرتری داشته باشند، صحبت می‌کند.

بنابراین، به نظر من، توجه به این نکته بسیار مهم است که عیسی در آیات ۱۵:۲۶ و ۲۷ می‌گوید که روح درباره من شهادت خواهد داد و شما نیز شهادت خواهید داد. شاید ما باید کمی متفاوت از آنچه معمولاً در مورد شهادت مسیحی فکر می‌کنیم، فکر کنیم، اینکه همه چیز به ما بستگی دارد و ما آن را انجام می‌دهیم، و اتفاقاً، روح‌القدس می‌آید و به ما کمک می‌کند. شاید ما باید در مورد آن به عنوان روح‌القدس که شاهد است فکر کنیم و ما می‌آییم و به روح‌القدس کمک می‌کنیم، زیرا عیسی در اینجا در پایان فصل ۱۵ اولویت را به کار روح‌القدس می‌دهد.

بنابراین، این روشی است که یوحنا ۱۵ و ۱۶ در آن پیش می‌رود. ما سعی می‌کنیم بفهمیم که چگونه فصل ۱۶ با صحبت بیشتر در مورد مخالفت، در مورد روشی که روح‌القدس کسی است که شاگردان را قادر می‌سازد

تا با مخالفت مقابله کنند، آغاز می‌شود. بنابراین، متن به نوعی به طور متناوب، از ۱۵:۱۸ تا ۲۵، در مورد آزار و اذیت و سختی، سپس اشاره به روح به عنوان کسی که شاگردان را قادر می‌سازد تا با آن مقابله کنند، و سپس تکرار آنچه قبلاً در مورد نفرت جهان و آزار و اذیت مربوط به آن گفته شده است، آغاز می‌شود، اما پس از آن هشدار، بار دیگر به خدمت روح القدس اشاره می‌شود.

بنابراین، متن، پس از اینکه از تمثیل تاک و شاخه‌ها و توضیح آن عبور کردیم، به متنی تبدیل می‌شود که درباره واقعیت مخالفت و موهبتی که ما از طریق روح داریم تا با مخالفت‌هایی که دریافت می‌کنیم مقابله کنیم و اطمینانی که می‌توانیم داشته باشیم، صحبت می‌کند. با وجود اینکه همه نیروهای جهنم علیه ما هستند، اگر بخواهیم شاعرانه به آن نگاه کنیم، هنوز همه نیروهای بهشت را از طریق کار روح القدس در کنار خود داریم. بنابراین، بیایید به عقب برگردیم و در مورد برخی از موارد تفسیر در یوحنا ۱۵ فکر کنیم. اول از همه می‌خواهم در مورد نقش تاکستان در کتاب مقدس فکر کنم و اینکه چگونه این به ما کمک می‌کند تا بفهمیم عیسی در اینجا درباره چه چیزی صحبت کرده است.

ما در یوحنا فصل ۱۵، آیه ۱ به خودمان یادآوری می‌کنیم که عیسی گفت، من تاک حقیقی هستم، و من فکر می‌کنم او از کلمه حقیقی استفاده می‌کند زیرا وقتی به تصویر تاک در سراسر کتاب مقدس عبری نگاه می‌کنیم متوجه می‌شویم که موارد زیادی وجود دارد که در آن اسرائیل، که به عنوان تاک خدا و برکت الهی خدا برای اسرائیل و عشق عهدی او به آنها توصیف شده است، متأسفانه همیشه منجر به برداشت فراوان انگور نمی‌شود. اغلب نتیجه برعکس است. بنابراین، اسرائیل همیشه برای خدا برداشت فراوان ندارد.

و بنابراین، عیسی اکنون می‌گوید، من تاک حقیقی هستم. به نظر می‌رسد که او می‌گوید من اسرائیل حقیقی هستم. من مظهر تمام فضایل و تمام ثمراتی هستم که باید در ابتدا توسط اسرائیل تولید می‌شد.

بنابراین، شاید اینجا کمی تصویر شخصیت جمعی وجود دارد که عیسی از آن استفاده می‌کند تا بگوید که من، قوم خدا، در من، سرنوشت، میوه، ویژگی‌ها، نعمت‌هایی را که خدا در ابتدا برای اسرائیل در نظر گرفته بود، برای جهان پیدا خواهیم کرد. اما البته این صرفاً عیسی نیست زیرا او می‌گوید، من تاک هستم. او می‌گوید شما شاخه‌های من هستید.

بنابراین، از طریق عیسی به عنوان تاک حقیقی و ما به عنوان شاخه‌های او، هدف الهی برای اسرائیل به عنوان قوم خدا بر روی زمین محقق خواهد شد. پس بیایید به عقب برگردیم و در مورد برخی از این متون از عهد عتیق فکر کنیم. می‌توانیم آن را در روایت پیدایش فصل ۹ دنبال کنیم، جایی که نوح به تاکستان می‌رود.

و این موضوع مشکلاتی هم دارد، چون نوح کمی بیش از حد شراب می‌نوشد و نتیجه خوب نمی‌شود. در بقیه تورات متون بسیار دیگری در مورد شراب داریم. ما فقط به چند مورد از آنها در اینجا اشاره کرده‌ایم.

و اساساً شراب می‌تواند چیزی باشد که برکت خدا را در زندگی مردم نشان دهد و بخشی از چرخه عادی، کشاورزی باشد. و همانطور که بنی اسرائیل غلات و انجیر و همه این چیزهای دیگر را برداشت می‌کردند انگور هم برداشت می‌کردند. آنها نمی‌توانستند همه آنها را بخورند و بنابراین تمایل داشتند انگورها را به عنوان شراب نگهداری کنند.

همانطور که از انجیل‌های هم‌نوا می‌دانیم، آنها شراب را می‌گرفتند و آن را در پوست قرار می‌دادند و به طور طبیعی تخمیر می‌شد، بنابراین غیرالکلی باقی نمی‌ماند. به یک نوشیدنی الکلی تبدیل می‌شد. معمولاً هنگام نوشیدن، آن را با آب در وعده‌های غذایی مخلوط می‌کردند.

و بنابراین، ما متون زیادی داریم که در مورد مخلوط کردن شراب و آب صحبت می کنند. شاید به یاد داشته باشید که در کتاب مکاشفه چند متن وجود دارد که در مورد خشم خدا صحبت می کنند، زیرا خدا شراب خالص را، به معنای واقعی کلمه، در جام خشم خود مخلوط می کند. بنابراین نوشیدن شراب خالص نوعی کار وحشیانه بود و در آن زمان فقط بربرها چنین کاری می کردند.

و سپس صحبت کردن در مورد خشم کامل خدا به عنوان شراب مانند این است که بگوییم او حتی آن را با آب مخلوط نخواهد کرد. او آن را با تمام خشم خود خواهد ریخت. بنابراین، ما در متون پیامبران متونی داریم که از اسرائیل به عنوان تاکستان خدا صحبت می کنند.

اشعیا فصل ۲ و شاید یک متن مرکزی که برای عهد جدید مهم می شود، اشعیا فصل ۵، آیات ۱ تا ۷ است. بنابراین، بیایید برگردیم و به طور خلاصه به آن نگاه کنیم. در اشعیا ۵، آیات ۱ تا ۷، سرود زیبایی از تاکستان وجود دارد. ۵-۱، من برای کسی که دوستش دارم سرودی در مورد تاکستانش خواهم خواند.

عزیزم تاکستانی در دامنه تپه ای حاصلخیز داشت. او آن را شخم زد و از سنگ پاک کرد، بهترین تاک ها را در آن کاشت، یک برج دیده بانی در آن ساخت، یک چرخش هم درست کرد و به دنبال محصول انگور خوب گشت. بنابراین، در این مرحله همه چیز خوب و رضایت بخش است.

این یک صحنه ی زیبای روستایی است که در آن شخصی به منطقه ای ناهموار رفته و مزرعه ای زیبا و تاکستانی زیبا ایجاد کرده است و همه چیز برای تضمین یک محصول فراوان فراهم شده است. بنابراین درست مثل این است که در جایی که شما زندگی می کنید، بتوانید در اواسط تابستان به حومه شهر بروید و اگر بخواهید، مزارع را ببینید که برای برداشت رسیده اند، و همه چیز خوب به نظر می رسد و به نوعی احساس خوبی به شما می دهد و از خدا به خاطر روشی که بشریت را با محصولات کشاورزی برکت داده است، تشکر می کنید. بنابراین، این یک تصویر زیبا تا اواسط آیه ۲ است، اما همانطور که احتمالاً می دانید اوضاع در اواسط آیه ۲ رو به وخامت می رود. او به دنبال محصول انگور خوب بود، اما فقط میوه های بد به بار آورد.

بنابراین، این تا حدودی طعنه آمیز است. پس از تمام کارهای شگفت انگیزی که معشوق برای تاکستان انجام داده است، آنچه انتظار دارید محصول فراوان باشد، اما آنچه انتظار دارید را دریافت نمی کنید. همین نوع چیز را می توانیم با نحوه صحبت یوحنا ۱ در مورد عیسی مقایسه کنیم.

پس از آفرینش جهان و برکت دادن به جهان و فرستادن نور به جهان، او به میان قوم خود آمد و به جای اینکه او را با آغوش باز بپذیرد، قوم خودش او را کنار زدند. آنها او را نمی خواستند. چقدر طعنه آمیز است؟ چقدر غیرمنتظره؟ چطور چنین چیزی ممکن است؟ بنابراین، پس از بیان داستان در آیات ۱ تا ۵، ببخشید، آیات ۱ و ۲ در اشعیا ۵، آیه ۳ سپس داستان را به کار می برد.

حال شما ای ساکنان اورشلیم و ای مردم یهودا، بین من و تاکستانم قضاوت کنید. من برای تاکستانم چه کار بیشتری می توانستم انجام دهم جز اینکه برای آن انجام دادم؟ وقتی به دنبال انگور خوب بودم، چرا فقط انگور بد به بار آورد؟ اکنون می خواهم به شما بگویم که با تاکستانم چه خواهم کرد. بنابراین، در آیات ۳ و ۴، نوعی درخواست عدالت وجود دارد، و سپس حکم در مورد تنها کاری که می توان با چنین تاکستانی انجام داد، صادر می شود.

به تو خواهم گفت که با تاکستانم چه خواهم کرد، آیه ۵. پرچینش را برمی دارم و نابود خواهد شد. دیوارش را فرو می ریزم و پایمال خواهد شد. آن را به ویرانه ای تبدیل می کنم که نه هرس شود و نه کشت گردد.

خار و خس در آنجا خواهد رویید. به ابرها فرمان خواهم داد که بر آن نبارند. همه اینها، باز هم، تصویری بسیار واضح از کاری است که خدا، مالک تاکستان، قرار است انجام دهد.

اما تمام این تصویرسازی‌های تاکستان به چه معناست؟ آیه ۷ آن را مطرح می‌کند، تمام تصویرسازی‌ها، تمثیل‌ها و جزئیات را در بر می‌گیرد و آن را به یک گزاره‌ی گزاره‌ای تبدیل می‌کند. تاکستان خداوند متعال، ملت اسرائیل است. و قوم یهودا، تاک‌هایی هستند که او از آنها لذت می‌برد، و آنها به دنبال عدالت بودند. اما خونریزی برای عدالت دیدند و فریادهای پریشانی را شنیدند.

بنابراین، ما این تأکید را بر این داریم که چگونه اوضاع آنطور که باید پیش نرفت. بنابراین، پس از تمام عشق و محبتی که خداوند به قوم خود اسرائیل نشان داد و تمام نعمت‌هایی که به آنها داد، آنها به شروط عهد او، به اراده او برای زندگی‌شان، یعنی شریعت موسی، پاسخ ندادند و بنابراین کاری برای او باقی نماند جز اینکه داوری را بر آنها اعلام کند. بنابراین، ما تاریخ عهد عتیق را داریم که در آن پادشاهی اسرائیل و یهودا از هم جدا شدند و خداوند اسرائیل را توسط آشوریان و یهودا را توسط بابلی‌ها داوری کرد.

و شما متونی مانند دوم تواریخ ۳۶ دارید که اساساً برای خدا و اسرائیل سوگواری می‌کنند و می‌گویند خدا چه کار بیشتری می‌توانست برای آنها انجام دهد؟ آنها به پیام‌آوران او گوش ندادند، پیامبران او را سنگسار کردند. خدا چه کاری می‌توانست انجام دهد؟ تنها کاری که می‌توانست انجام دهد فرستادن داوری بود. بنابراین، تصویر تاکستان در متونی مانند این، بسیار غم‌انگیز است.

اگر بیشتر به اشعیا، ارمیا و حزقیال نگاه کنیم، وقت زیادی برای این کار نمی‌گیریم، می‌توانید این متون را دنبال کنید، اما خواهید دید که گاهی اوقات قحطی اسرائیل، یعنی داوری که خدا بر آنها نازل می‌کند و فقدان دانش خدا، با کمبود غذا و نوشیدنی در سرزمین، کمبود محصولات کشاورزی نیز نشان داده می‌شود. بنابراین تصویر تاکستان اغلب به عنوان تصویری از داوری در این متون استفاده می‌شود. اما همچنین به عنوان تصویری از برکت نیز استفاده می‌شود.

اگر اسرائیل توبه کند، بار دیگر محصولات فراوانی دریافت خواهد کرد. آنها انگور فراوان، شراب فراوان خواهند داشت و خداوند شراب تازه از آنها جاری خواهد ساخت. و بنابراین، کمبود شراب نشانه‌ای از فقدان برکت خداوند است.

وجود شراب نشانه‌ای از این است که اسرائیل با خدا صادق است و خدا آنها را با تمام مهربانی خود برکت می‌دهد. بنابراین، وقتی به عهد جدید می‌رسیم، می‌بینیم که عهد جدید و آموزه‌های عیسی به این موضوع اشاره می‌کنند. بنابراین، در متی فصل ۲۰، تمثیل تاکستان، در متی ۲۱:۲۸، تمثیل کشاورزان مستاجر که میوه را به درستی به صاحبش بر نمی‌گردانند، در متی ۲۱:۲۳ را می‌یابیم.

عیسی در حالی که در شام عید فصح از میوه تاک می‌نوشد و سفره خداوند را برپا می‌کند، از آن صحبت می‌کند. او می‌گوید تا زمانی که در پادشاهی خود نباشم، از این نخواهم نوشید. و البته، میوه تاک نمادی از خون او می‌شود، که خون عهد جدید است.

بنابراین، این‌ها و بسیاری از تشابهات همدید دیگر، این متون در متی. می‌توانیم شراب را در بسیاری از متون دیگر پولس تصور کنیم، وارد جزئیات آن نمی‌شویم، اما این یک روش مهم برای نشان دادن این است که چگونه خدا می‌تواند قوم خود را در صورت اطاعت از او برکت دهد. اما در عین حال، این متون اغلب در مورد چگونگی عدم برکت خداوند از سوی اسرائیل در هنگام نافرمانی آنها صحبت می‌کنند.

بنابراین، آنها هیچ محصولی ندارند، هیچ انگوری ندارند، هیچ شرابی ندارند. ما اینجا به متونی که به وضوح در مورد سوء استفاده از شراب صحبت می‌کنند گوش نداده‌ایم یا در مورد آنها صحبت نکرده‌ایم. ما متونی در عهد عتیق، به ویژه کتاب امثال داریم که ما را از سوء استفاده از شراب برحذر می‌دارد.

ما در عهد جدید متونی داریم که از خطرات زیاده‌روی در مصرف شراب صحبت می‌کنند. متونی مانند افسسیان ۵:۱۸ به ما می‌گویند که کمال خود را در روح خدا بیابید، نه در مصرف الکل. بنابراین، ما سعی نمی‌کنیم پیامدهای اخلاقی شراب در کتاب مقدس را نادیده بگیریم، بلکه فقط سعی می‌کنیم تصویری را که عیسی در اینجا به کار می‌برد، درک کنیم، که چندان به مسائل اخلاقی پیرامون آن معطوف نیست.

بنابراین، برخی از شواهد پیشینه در دنیای کتاب مقدس و در دنیای مدرن ما در مورد تاکستان‌ها می‌تواند به ما در درک بهتر آن کمک کند و به ما در تجسم معنای پربار بودن در اطاعت از خدا یا عدم پربار بودن با نافرمانی از خدا کمک کند. البته خود عیسی کسی است که پربارترین تاکستان در اقتصاد خدا است و ما از طریق او پرباری خود را می‌یابیم. بنابراین، در صفوریس، درست در نزدیکی ناصره، نه چندان دور از جلیل، بقایای باستان‌شناسی بسیار خوبی وجود دارد و یکی از آنها محصول انبوه انگور را در تاکستان در یک موزاییک کف در صفوریس نشان می‌دهد.

اگر به اسرائیل بروید، در بسیاری از مکان‌ها بقایای دستگاه‌های پرس شراب را خواهید دید. بنابراین، انگورها از تاکستان‌ها آورده می‌شدند و در این خمره‌هایی که از سنگ تراشیده شده بودند، ریخته می‌شدند و معمولاً گمان می‌کنم، توسط افرادی که از روی آنها رد می‌شدند یا با استفاده از نوعی ابزار برای کمک به این فرآیند، له می‌شدند. و از آنجایی که شراب فشرده می‌شود، مایع آن به خوبی در این تصویر دیده نمی‌شود.

شاید مشکل از این بخش از نصب باشد. مایع از طریق شکاف به پایین جریان می‌یابد. شاید این مایع در ابتدا فقط یک تخته کامل از طریق این دیوار به داخل یک خمره ریخته شده و سپس از خمره، پوست‌ها با آن پر شده‌اند.

این تصویر این موضوع را کمی بهتر نشان می‌دهد، و می‌توانید ببینید که انگورها کجا ریخته می‌شدند، کجا له می‌شدند. مایع انگورها ظاهراً به داخل گودال‌ها و همچنین به داخل گودال‌ها جریان می‌یافت، جایی که مایع جمع‌آوری می‌شد. امروز در اسرائیل، در دره حفر، این عکس در نزدیکی ساحل بین تل‌آویو و حیفا گرفته شده است.

در جولان، امروزه انگور هم پرورش می‌دهند. مطمئن نیستم این آقا انگورهایش را از کجا آورده، اما به نظر می‌رسد یک کشاورز اسرائیلی است که کیفیت انگورها را بررسی می‌کند. من در میشیگان زندگی می‌کنم و شراب اینجا در میشیگان تجارت بزرگی است.

برخی مناطق زیبا در شمال میشیگان، به ویژه مناطقی که انگور کشت می‌شود. این شاتو گرند تراورس در شبه جزیره میشن در شمال شهر تراورس در میشیگان است که مشرف به خلیج وست تراورس می‌باشد. نمای نزدیکی از انگورها.

می‌توانید ببینید که آنها در آنجا توری کشیده‌اند تا پرندگان را از انگورها دور نگه دارند تا بتوانند از تمام Chateau Chantal انگورهای موجود در محصول استفاده کنند. تاکستان زیبای دیگری در آنجا به نام وجود دارد و می‌توانید تاک‌ها را در پیش‌زمینه ببینید. صاحبان آن تاکستان در واقع فصلی را که ما الان به آن نگاه می‌کنیم با یک مجسمه فلزی که مجسمه‌ای از تاک و شاخه‌های آن است، به یادگار گذاشته‌اند و متن، البته، به آن مربوط می‌شود.

هنرمندان مسیحی تصاویر تاک و شاخه‌ها را بسیار خلق کرده‌اند و تا جایی پیش رفته‌اند که حواریون را روی تاک و عیسی را در مرکز آن نشانده‌اند. با این حال، وقتی دوازدهمین این‌ها را جمع می‌کردم، فکر می‌کنم بیش از ۱۲ تا داریم. ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳.

فکر کنم فقط ۱۲ نفر اونجا هستن. با این حال، این یکی بیشتر از ۱۲ نفر هست، و من دقیقاً مطمئن نیستم که همه این افراد چه کسانی هستند. ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵.

بنابراین، من نمی‌دانم مشکل از چیست. چه موسی و الیاس را آنجا داشته باشیم، چه نه تنها ۱۲ منهای ۱ که می‌شود ۱۱، بلکه ماتئاس و پولس را هم داشته باشیم، بنابراین شاید آنها هم آنجا باشند، اما این فقط ۱۳ نفر است. بنابراین، شاید برای اطمینان خاطر موسی و الیاس را آنجا داشته باشیم.

مطمئن نیستم. تصویرسازی خیلی جالبه. فکر می‌کنم در این مورد، اگر وضوح بهتری روی کتاب داشتیم، این من تاک هستم، Ego eimi he ampelos، یک متن یونانی بود که در واقع داشت

ایگو ایمی، او آمپلوس، او آلتین، تاک اصیل. با این حال، فکر می‌کنم این قطعه اشاره می‌کند که عیسی با مرگ و ریختن خورش عهده جدید را که با نان و جام نمادین شده است، آغاز می‌کند. بنابراین، به طور متناقضی، با مصلوب شدن اوست که زندگی به جهان می‌آید.

بنابراین، این مطلب سمت راست، که منبعش را از دست داده‌ام، و سعی می‌کنم بفهمم که در ابتدا کجا منتشر شده است، قادر به انجام این کار نیست. احتمالاً وقتی با تصویر درخت مو مواجه می‌شویم، یکی از سوالات اصلی که مدام می‌شنویم این است که تکلیف این همه شاخه‌های بی‌ثمر چه می‌شود؟ حدس می‌زنم این موضوع چیزی در مورد ماهیت بشریت و حتی مسیحیانی که انسان هستند نشان می‌دهد. ما بیشتر وقت خود را صرف نگرانی در مورد این می‌کنیم که اگر این اتفاق بد بیفتد چه می‌شود، تا اینکه آن نوع افرادی باشیم که باید باشیم تا این اتفاق نیفتد.

اما در هر صورت، گمانه‌زنی‌ها، بحث‌ها، تفاسیر و استدلال‌های زیادی در مورد اینکه شاخه‌های سوخته، بی‌ثمر چه کسانی هستند، از فصل ۱۵ و آیه ۶ وجود دارد. با توجه به اینکه یهودا به تازگی از دنیا رفته است، می‌توان تصور کرد که باید کسی مانند یهودا را شاخه‌ای بدانیم که میوه نمی‌دهد و بریده و سوزانده خواهد شد. در میان مسیحیان انجیلی، کسانی هستند که معتقدند مسیحیان واقعی ممکن است در نهایت سقوط کنند، به عقب برگردند و مشمول مجازات ابدی شوند. ارتداد چیز وحشتناکی است، چیزی که من هرگز نمی‌خواهم آن را سبک بشمارم.

من مطمئن نیستم که این متن دقیقاً همین را آموزش می‌دهد. حدس می‌زنم این موضوع به این بستگی دارد که منظور ما از اصطلاح «اصیل» چیست. فکر می‌کنم مطمئناً افرادی در کلیسا هستند که در ذهن خود متقاعد شده‌اند که پیروان واقعی عیسی هستند.

آنها فقط ریاکار نیستند. آنها فقط سعی در تظاهر ندارند. در ذهنشان، واقعاً از او پیروی می‌کنند.

به این معنا، افرادی هستند که زمانی با تمام وجود به عیسی مسیح خدمت می‌کردند، اما اکنون با تمام وجود از او روی برگردانده‌اند. من فکر می‌کنم در آن معنای کلمه «واقعی»، افرادی وجود دارند که قبلاً مسیحی بودند و اکنون دیگر مسیحی نیستند و شاید این متن افرادی مانند آنها را توصیف می‌کند. از سوی دیگر کسانی هستند که فکر می‌کنند مسیحیان واقعی فقط کسانی هستند که کار درونی روح القدس را دریافت کرده‌اند.

کسانی که گرایش کالوینیستی دارند، درباره آموزه برگزیدگی و اینکه چگونه کسانی را که به مسیح پیوسته‌اند به هیچ وجه طرد نخواهد کرد، صحبت خواهند کرد. او گوسفندان خود را می‌شناسد و هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدرش بگیرد. ما اخیراً در یوحنا ۱۰ خوانده‌ایم و من کاملاً طرفدار این آموزه هستم.

پیشینه و باور الهیاتی شخصی من در حال حاضر کالوینیستی است. با این حال، فکر می‌کنم باید به متنی مانند این با توجه به آنچه که می‌توانیم آموزه استقامت بنامیم، نگاه کنیم. فکر می‌کنم کالوینیست‌ها و آرمینین‌های واقعی موافقند که قوم خدا اینگونه عمل می‌کنند و مسیحیان واقعی در ایمان خود استقامت می‌کنند.

گفتن خلاف این، شاید به معنای پایبندی به آموزه امنیت ابدی باشد، اما آموزه امنیت ابدی بدون هیچ گونه مسئولیتی در قبال استقامت، در واقع آموزه‌ای از آنی نومیانیسم است. بنابراین، امروزه گروهی در انجیل‌گرایی وجود دارند که چنان متقاعد شده‌اند که وقتی نجات یافتید، همیشه نجات یافته‌اید، مهم نیست چه باشد، آنها هرگونه انگیزه واقعی برای استقامت را از بین می‌برند، زیرا شما در نهایت در حضور خدا خواهید بود، چه این کار را بکنید یا نه. من فکر نمی‌کنم که این به هیچ وجه باید به عنوان یک آموزه تاریخی کلیسا درک شود.

من فکر می‌کنم این یک مشکل واقعی است. بنابراین، ارتداد جدی‌ترین نوع ارتداد است، و ما در مورد افرادی صحبت نمی‌کنیم که فقط یک اظهار ایمان سطحی می‌کنند و بعد نگران این هستند که آیا آنها واقعاً مؤمن هستند یا خیر. اما من فکر می‌کنم این در مورد کسی صحبت می‌کند که واقعاً درگیر و مشغول تاک، با عیسی است، و با این وجود هیچ میوه‌ای نمی‌دهد.

به جای اینکه سعی کنیم این جور آدم‌ها را نوازش کنیم و به آنها بگوییم نگران نباشید، حالتان خوب خواهد شد، شما یک مسیحی هستید، هرچند یک مسیحی نفسانی هستید، ما دوست داریم که شما روحانی‌تر باشید، اما حتی اگر نباشید هم حال شما خوب است. فکر نمی‌کنم اگر با مردم این‌طور رفتار کنیم، لطفی در حقشان کرده‌ایم. فکر می‌کنم باید توپ را در زمین خودشان بیندازیم و بگوییم، می‌دانید، کتاب مقدس به ما می‌گوید که ما به عنوان شاخه‌های تاک باید میوه بدهیم، و اگر واقعاً رابطه‌ای دارید، باید در مورد رابطه‌تان با عیسی جدی‌تر باشید.

بنابراین، این موضوع به شیوه‌ای قانونی برای تعیین استانداردهای انسانی مربوط نمی‌شود که افراد یا با آن مطابقت دارند یا ندارند، و ما بر اساس آن اظهار نظر می‌کنیم. موضوع یادآوری تصاویر کتاب مقدس به مردم است که تاک، شاخه‌ها از تاک حیات می‌گیرند، و پدر از تاک و تاکستان مراقبت می‌کند، و افرادی که در تاکستان هستند و هیچ انگور واقعی به بار نمی‌آورند، بلکه شاید خار و خس دارند، ما به عنوان رهبران کلیسا نمی‌توانیم چنین افرادی را نوازش کنیم و به آنها بگوییم که اشکالی ندارد، شما خوب خواهید شد، حتی اگر هیچ کار معنوی انجام ندهید. شاید شما باید کارهای معنوی بیشتری انجام دهید، اما خوب خواهید شد.

این تصویرسازی به ما اجازه چنین کاری را نمی‌دهد، و اگر تاریخ عهد عتیق و نحوه قضاوت اسرائیل به دلیل عدم وفاداری به خدا و هر اتفاقی که برایشان افتاد را در نظر بگیریم، هیچ مبنای کتاب مقدسی واقعی نداریم که به مردم بگوییم یک بار نجات یافته‌اند، همیشه نجات یافته‌اند، مهم نیست چه اتفاقی بیفتد. مهم نیست مشکل چیست. شاید کارتونی از آگنس دی را به خاطر داشته باشید که در آن گوسفندی می‌گفت چقدر عالی است که در گله مسیح باشیم و هیچ کس نمی‌تواند ما را از دست او بگیرد، بنابراین دیگر نیازی به رفتن به کلیسا یا چیزی شبیه به آن نیست.

و بعد گوسفند دیگر می‌گوید، خب، فکر می‌کنم داری از دستش می‌پری. اینطور نیست که کسی تو را بگیرد، تو داری می‌پری. و این چیزی است که متنی مانند یوحنا فصل ۱۵ به ما یادآوری می‌کند، و من فکر می‌کنم

اگر سعی کنیم تصویرسازی اینجا را رقیق کنیم و آن را به چیزی تبدیل کنیم که به مردم اجازه می‌دهد نسبت به رابطه‌شان با خداوند بی‌تفاوت باشند، اشتباه می‌کنیم.

سوال دیگری که ممکن است در مورد این متن پرسیم این است که میوه‌ای که عیسی در آیات ۲، ۴، ۵ و ۸ از آن صحبت می‌کند چیست؟ در این متن به طور خاص چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا او در مورد ایجاد تغییر در ایمانداران جدید صحبت می‌کند؟ آیا این میوه‌ای است که او در مورد آن صحبت می‌کند، میوه انجیل به معنای تغییر در ایمانداران جدید؟ من فکر می‌کنم پولس در کولسیان نیز همین را گفته است، و فکر می‌کنم عیسی حتی در فصل ۴ یوحنا از تصاویر مشابهی، هرچند نه دقیقاً یکسان، استفاده می‌کند، جایی که برداشت روح‌ها، اگر بخواهید، در پس‌زمینه است وقتی که او در مورد سفید شدن مزارع برای برداشت صحبت می‌کند. بنابراین، میوه‌هایی را در کتاب مقدس خواهید یافت که گاهی اوقات به عنوان ایمانداران جدید و گاهی اوقات به عنوان شخصیتی شبیه مسیح از آنها یاد می‌شود. یحیی تعمید دهنده به افرادی که برای تعمید نزد او می‌آمدند گفت که میوه عدالت را در زندگی خود به بار آورند.

به عبارت دیگر، کمی از رعایت تورات را به من نشان دهید. بعداً، پولس رسول از کسانی که از طریق روح با مسیح مرتبط بودند به عنوان کسانی که میوه روح را آشکار می‌کنند صحبت کرد و این مربوط به شخصیت مسیح‌گونه است، همانطور که می‌دانید، عشق، شادی، صلح، بردباری و غیره. بنابراین، عیسی در این زمینه از چه چیزی صحبت می‌کرد؟ آیا او از جذب روح به عیسی و ثمربخش بودن در بشارت صحبت می‌کرد، یا از شخصیتی مسیح‌گونه صحبت می‌کرد؟ و می‌خواهم به شما بگویم، فکر می‌کنم پاسخ به این سوال یک بله قطعی است.

او در مورد هر کاری که ما به عنوان یک مسیحی انجام می‌دهیم صحبت می‌کرد، نه صرفاً یکی از این دو عیسی در این گفتار به ما آموخته است که بدون من هیچ کاری نمی‌توانید انجام دهید. بنابراین، اگر ما نمی‌توانیم جدا از مسیح کاری انجام دهیم، کاری که به گمان من، عکس منطقی آن نامیده می‌شود، یعنی ما قادر به انجام هیچ کاری جدا از او نیستیم، پس هر کاری که با او انجام دهیم، ثمره او خواهد بود.

بنابراین، چه بخواهیم در درجه اول به این موضوع از نظر بشارتی فکر کنیم و چه از نظر تقدیس یا شخصیت مسیح‌گونه، فکر می‌کنم محدود کردن آن به یکی از این دو اشتباه خواهد بود، زیرا هر چیز خوبی که از ما به عنوان پیروان مسیح بیرون می‌آید، تنها تا حدی می‌تواند حاصل شود که ما به او و کار او در درون خود وابسته باشیم، پس هر چیزی که از آن حاصل می‌شود باید میوه نامیده شود. بنابراین، این بحثی است که به نظر من وقتی به آن می‌رسیم کمی احمقانه است زیرا هر کاری که ما به عنوان پیروان مسیح انجام می‌دهیم، ثمره کار او در درون ماست. یک سوال بسیار کاربردی می‌تواند این باشد که چگونه در مسیح می‌مانیم؟ خب، صحبت در مورد ماندن، در مسیح ماندن خوب است، پس چگونه این کار را انجام دهیم؟ اگر این را به یک چک لیست تبدیل کنیم و بگوییم اگر این کار را انجام دهید و این کار را انجام دهید و تمام معیارهایتان را بررسی کرده باشید، در مسیح ساکن هستید، احتمالاً اشتباه می‌کنیم.

من فکر می‌کنم همانطور که تاک و شاخه‌ها به طور ارگانیک به هم متصل هستند و وقتی باران می‌بارد و کشاورز از تاک‌ها مراقبت می‌کند، یک روش طبیعی وجود دارد که گیاه میوه می‌دهد. بنابراین، یک روش طبیعی وجود دارد که ما، همانطور که از طریق ایمان و روح او در مسیح هستیم، وارد زندگی ما می‌شویم و به ما زندگی جدیدی می‌دهیم، به طور طبیعی در خدمت او ثمربخش هستیم. اما فکر می‌کنم همانطور که در مورد آن فکر می‌کنید، بدیهی است که وحدت ارگانیک شاخه‌ها با تاک، از وحدت ما با مسیح از طریق روح سخن می‌گوید و اینکه ما صرفاً می‌خواهیم به مسیح تکیه کنیم تا از طریق روح در زندگی خود به ما میوه دهد.

بنابراین، من فکر می‌کنم این به ما می‌آموزد که ما قطعاً فقط با تلاش خودمان، فقط با کار خودمان، فقط با فعال بودن، ثمر نخواهیم داد. ما زمانی ثمر خواهیم داد که در وابستگی به مسیح فعال باشیم. نه مستقل از او، بلکه در وابستگی به او.

بنابراین، اگر ما به عنوان یک شاخه به مسیح وابسته نباشیم، مطمئناً به ارتباط آن با تاک و ریشه دواندن تاک وابسته خواهیم بود. اگر ما هر روز از زندگی خود به طور طبیعی وابسته نباشیم، موضع عقب‌نشینی ما این است که درک کنیم مگر اینکه آن روز کاملاً به مسیح وابسته باشیم، هیچ چیز خوبی از آن حاصل نخواهد شد. من فکر نمی‌کنم که ما در مسیح بمانیم.

اما همانطور که در ادامه، معنای ماندن در مسیح را می‌خوانیم، جایی که عیسی شروع به صحبت در مورد فرمان عشق در پرتو ماندن در مسیح می‌کند، به موضوع اطاعت می‌رسیم. اگر اراده خدا و آموزه‌های عیسی را بدانیم و تصمیم بگیریم که آن را نادیده بگیریم یا از آن نافرمانی کنیم یا در مورد آن سهل‌انگار باشیم و واقعاً یاد نگیریم که پیروی از عیسی به چه معناست، در واقع از او اطاعت نمی‌کنیم. و ما نمی‌توانیم واقعاً از عشقی که یوحنا از آن صحبت می‌کند، صحبت کنیم، مگر اینکه از احکام مسیح پیروی کنیم.

امروزه در فرهنگ فعلی مان اغلب می‌شنویم که مردم درباره اینکه چقدر خدا را دوست دارند صحبت می‌کنند، اما به احکام او خیلی علاقه‌ای ندارند. و افرادی که شاید گاهی اوقات درباره اطاعت صحبت می‌کنند، هرگز زیاد درباره عشق صحبت نمی‌کنند. این نوع چیزها را نمی‌توان از الهیات یوحنا، همانطور که در اینجا در فصل ۱۵، آیه ۱۰ مشاهده می‌کنیم، استنباط کرد.

او در آیه ۹ می‌گوید، همانطور که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در عشق من بمانید یا بمانید. اگر احکام مرا نگه دارید، در عشق من خواهید ماند، همانطور که من احکام پدر خود را نگه داشته‌ام و در عشق او می‌مانم.

بنابراین، مسئله صرفاً این نیست که ما باید با انجام آنچه او می‌گوید در عشق خدا بمانیم. عیسی گفت این دقیقاً همان کاری است که من انجام داده‌ام. بنابراین، ما نمی‌توانیم از عشق صحبت کنیم مگر اینکه در مورد اطاعت از دستورات صحبت کنیم.

ما نمی‌توانیم در مورد اطاعت از دستورات صحبت کنیم، مگر اینکه خودمان را وقف درک حقیقت کتاب مقدس کنیم. بنابراین، اگر ما شاگردان کتاب مقدس نباشیم و آنچه عیسی به ما می‌آموزد را درک نکنیم صحبت در مورد عشق و اینکه چقدر عشق را احساس می‌کنیم یا چقدر از عشق به دیگران لذت می‌بریم یا چقدر احساس می‌کنیم خدا ما را دوست داشته است، بی‌فایده است. اگر ذهن ما به آموزه‌های عیسی توجه نکند، ما دیگر از آنچه پدرمان از ما می‌خواهد پیروی نخواهیم کرد، همانطور که اگر او در زندگی خود به اراده خدا توجه نمی‌کرد، پیروی نمی‌کرد.

بنابراین همانطور که عیسی به روح متکی بود، همانطور که عیسی در همه چیز از پدر اطاعت می‌کرد، ما نیز با پیروی از او، باید در همه چیز از او اطاعت کنیم و از او پیروی کنیم و بدانیم که او چه می‌گوید و با اطاعت از دستوراتش، خدا را بیشتر دوست داشته باشیم، زیرا با اطاعت از دستوراتش، خدا را بیشتر می‌شناسیم. بنابراین، اطاعت از مسیح نه تنها به معنای وابستگی است، که به نوعی نشان دهنده کار روح در زندگی ماست، بلکه به معنای اطاعت از اوست که نشان دهنده کار ما در مطالعه کتاب مقدس است. بنابراین، ممکن است افرادی را بشناسید که زیاد در مورد وابستگی به روح صحبت می‌کنند.

شاید افرادی را بشناسید که زیاد در مورد خواندن و مطالعه کتاب مقدس صحبت می‌کنند. برای اینکه کاملاً در مسیح بمانیم یا در او بمانیم، مطمئناً باید از طریق عملکرد درونی روح در ایمان پایدار بمانیم، اما این

عملکرد درونی تا حد زیادی به میزان یادگیری ما در مورد خدا در کلامش بستگی دارد. برخی از مضامین کلیدی نهایی در الهیات یوحنا که باید در این فصل به آنها فکر کنیم و به آنها توجه کنیم، پیوند عشق و اطاعت است.

ما تقریباً همین الان داشتیم در مورد این موضوع صحبت می‌کردیم که صحبت کردن در مورد عشق به خدا بدون اطاعت و اطاعت بدون عشق بی‌فایده است. ما در این مطالب سخنان بسیار جدی در مورد آزار و اذیت به عنوان نفرتی کاملاً بی‌مورد داریم. بنابراین، اگر به دلیل ارتباطمان با عیسی مورد نفرت جهان هستیم، در واقع این چیزی نیست که ما انجام داده باشیم یا او انجام داده باشد.

این نفرتی بی‌مورد است، و بنابراین اگر پیرو عیسی هستیم باید آن را بپذیریم. این بخشی از چیزی است که پیش می‌آید. بدیهی است که ما در اینجا آموزش مداومی در مورد روح و عیسی داریم.

ما در ویدیوی قبلی در مورد این موضوع زیاد صحبت کرده‌ایم. در نهایت، واقعیت آزار و اذیت، و کار یاری‌رسان در اینجا به این معنا مورد تأکید قرار می‌گیرد که در یک محیط آزار و اذیت که دنیا به هیچ وجه طرف ما نیست، بلکه علیه ما عمل می‌کند. می‌توانیم مطمئن باشیم که روح القدس دنیا را محکوم خواهد کرد.

همانطور که عیسی با نیکودیموس در مورد وزش روح القدس مانند باد صحبت کرد که قابل برنامه ریزی نیست، همانطور که عیسی در باب ۶ در سخنرانی معروف به نان حیات به مردم گفت که روح القدس از طریق کلماتی که او گفته است عمل می‌کند، و همانطور که عیسی در اینجا به ما می‌آموزد که روح القدس ما را حتی در زمان آزار و اذیت به سوی تمام حقیقت هدایت خواهد کرد، کار روح القدس در آنجا به شکلی بسیار قوی حفظ می‌شود. بنابراین، در نهایت در باب ۱۵ یوحنا، با این موضوع که شاخه‌ها صرفاً شاخه‌های درخت هستند، مواجه می‌شویم. من فکر می‌کنم باید مطمئن شویم که درک می‌کنیم که شاخه هیچ ارزشی ندارد مگر اینکه به تاک متصل باشد.

تاک هیچ ارزشی ندارد مگر اینکه توسط کشاورز کشت شود. بنابراین، آیا این تصویر زیبایی از چگونگی وابستگی ما به خداوند عیسی، وابستگی به روح القدس، وابستگی به خدای پدر که از تاک در تمام نقشه‌هایش و تمام نعمت‌هایش برای ما مراقبت می‌کند، نیست؟ بنابراین، بیایید فقط به خاطر داشته باشیم که به عنوان پیروان عیسی، در این تصویر، ما صرفاً شاخه‌هایی هستیم.

ما ریشه نیستیم و میوه هم نیستیم. ما واسطه‌ای هستیم که از طریق آن وقتی با مراقبت خدا و حیاتی که از طریق روح از عیسی دریافت می‌کنیم مرتبط می‌شویم، این یک چیز زیباست و میوه می‌تواند تولید شود. اما اول، باید به خودمان یادآوری کنیم که ما فقط شاخه‌ها هستیم.

این دکتر دیوید ترنر و آموزه‌های او در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۷، سخنرانی خداحافظی، مانند در مسیح و شهادت به جهان است. یوحنا ۱: ۱۵-۱۶.